

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
 Tel: 0049 1633458007
 E-mail: asangaran@aol.com
 مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالکلیریان
 Tel: 00358 405758250
 E-mail: abdolgolparian@yahoo.com
 همکاری سر دبیر: بهمن خانی
 E-mail: khani@live.nl

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت
www.m-hekmat.com



اساس سوسیالیسم
 انسان است.
 سوسیالیسم
 جنبش بازگرداندن
 اختیار به انسان است.

ایسکرا

۳۶۶

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۳ خرداد ۱۳۸۶، ۱۳ مه ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدالکلیریان abdolgolparian@yahoo.com

بیاد منصور حکمت

عبدالکلیریان

صفحه ۴



بچه ها! صدیق آمد!



www.ettehade.com

این اولین فریاد شوق انگیزی بود که با خروج صدیق از زندان مرکزی سنندج در فضای بیرون زندان طنین افکن شد و بلافاصله کارگران عضو اتحادیه و خانواده هایشان با چشمانی اشک آلود و غرق در شادی، صدیق را با شوقی وصف ناپذیر در بر گرفته و بوسه باران کردند. اعضای اتحادیه به همراه خانواده هایشان و خانوادۀ صدیق از چند ساعت پیش در حوالی زندان مرکزی سنندج منتظر خروج وی از زندان بودند. در ساعت ۱۶ روز ۱۳۸۶/۳/۱۹ صدیق از زندان

صفحه ۲

پیام محمد آسنگران به مناسبت آزادی شیث امانی و صدیق کریمی به کارگران، خانواده های کارگری و مردم آزادیخواه!

شیث امانی و صدیق کریمی آزاد شدند این پیروزی را به همه شما تبریک میگویم



محمد آسنگران

شیث امانی و صدیق کریمی دو نفر از رهبران اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار بعد از ۴۰ روز زندان با قدرت شما از زندان آزاد شدند. این یک پیروزی مهم برای جبهه آزادی و انسانیت است. جمهوری اسلامی روز اول مه با

کارگران مردم آزادیخواه! آزادی شیث امانی و صدیق کریمی دو نفر از رهبران کارگری سنندج و چهرهای محبوب و مبارز مردم آزادیخواه را به همه شما و جبهه وسیع انسانی که برای آزادی آنها تلاش کردند تبریک میگویم.

صفحه ۲

به همت کارگران و مردم آزادیخواه، شیث امانی از زندان سنندج آزاد شد!

داشتن ماهواره، این فعال کارگری را تا روز سه شنبه ۲۲ خرداد در زندان نگهداشتند. اما فشار خانواده های کارگران و اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار در این چند روز به همراه حمایت های وسیع مردم رژیم اسلامی را ناچار به عقب نشینی کرد و این فعال کارگری عصر روز سه شنبه ۲۲ خرداد ۱۳۸۶ از زندان سنندج آزاد شد و مورد استقبال خانواده های کارگری، همکاران و اعضای اتحادیه قرار گرفت. صبح روز سه شنبه ۲۲ خرداد خانواده شیث و تعدادی از اعضای اتحادیه، نامه آزادی او را گرفته و به

صفحه ۲



شیث امانی رئیس هیئت مدیره و یکی از رهبران اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار، عصر روز سه شنبه ۲۲ خرداد ماه از زندان سنندج آزاد شد.

قرار بود روز شنبه ۱۹ خرداد شیث امانی به همراه صدیق کریمی عضو هیئت مدیره این اتحادیه آزاد شود. اما مقامات قضایی رژیم اسلامی به بهانه پرونده ایشان در مورد

اسلام گیت منشیین عاقبت چپ ضد امپریالیست (۲)

محمد آسنگران

صفحه ۵

گزارش مراسم گلگشت اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار

صفحه ۹

نیاذ گذاشت مهم را اعدام کنند!

کمیته بین المللی علیه اعدام

صفحه ۹

در مورد کنگره ۶ حزب کمونیست کارگری ایران

امید سرخ

صفحه ۱۰

اخبار و اطلاعیه هایی از اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ایران در مورد آزادی صدیق کریمی و شیث امانی

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پیام محمد آسنگران به مناسبت . . .

از صفحه ۱

را بجز شیت و صدیق آزاد کند. اما شیت امانی و صدیق کریمی علیرغم شدت جراحات جسمی بر اثر تعرض نیروهای امنیتی رژیم بر بدنشان ۴۰ روز در زندان بسر بردند. جمهوری اسلامی میخواست با بازداشت این کارگران جو رعب و وحشت در میان مردم آزادیخواه

بیکار و حمایت‌های وسیع دیگر بخشهای کارگری و دانشجویان دانشگاههای مختلف در ایران و در ابعاد بین المللی، نهایتاً رژیم اسلامی را ناچار کرد که این دو رهبر کارگری را آزاد کند. اما آزادی این کارگران با وثیقه پنجاه میلیون تومان قرار است محدودیتی بر فعالیت این کارگران و دیگر فعالین کارگری باشد. این سیاست وثیقه گرفتن را باید به مصاف طلبید.

آزادی این دو رهبر کارگری از

زندان را يك بار دیگر به خانواده های آنها و به همه مردم در شهر سنندج و همه کارگران تبریک میگویم. این تجربه نشان داد که کارگران و مردم آزادیخواه با مبارزه متحد و پیگیر خود میتوانند از رهبران خود و از همه کسانی که به دلیل دفاع از حقوق و حرمت کارگران و مردم دستگیر و زندانی میشوند، دفاع کنند و آنها را از زیر چنگ رژیم نجات دهند. مبارزه شما برای آزادی شیت امانی و صدیق کریمی، نمونه خوبی برای همه خانواده ها و همه

مدافعین آزادی بیان و عقیده و آزادی تشکل و تجمع است. یکبار دیگر دست همه شما را به گرمی می فشام و امیدوارم فعالیت‌های هماهنگ ما منجر به آزادی فوری محمود صالحی و همه فعالین جنبشهای اجتماعی از زندان شود.

محمد آسنگران
دبیر کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ خرداد ۱۳۸۶ - ۹ زون ۲۰۰۷

بچه ها! صدیق آمد!

از صفحه ۱



مرکزی سنندج بیرون آمد و بلافاصله توسط حاضرین گل باران شد و در میان بوسه ها، اشک شوق و هلله شادی آنان روانه منزل گردید. حاضرین با پیش از ده دستگاه سواری و مینی

در منزل پدری صدیق، جا برای همه حاضرین نبود اما هر طوری بود همه جا گرفتند تا شریک شادی و شغف همدیگر باشند، هادی زارعی عضو هیئت مدیره اتحادیه از میان حضار به پا خواست و از طرف اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار به صدیق خوش آمد گفت و از تمامی اعضای اتحادیه و همه کسانی که مداوما در کنار اتحادیه و خانواده های صدیق و شیت در تجمعات و مقابل زندان و دادگاه حضور داشتند و با کمکهای مالی خود از نقاط مختلف خانواده شیت و صدیق را تنها نگذاشتند قدردانی نمود و بر همبستگی بیش از پیش کارگران تاکید کرد.

دفاع کرده و دفاع خواهیم کرد، اگر چه بخاطر آن زندانی هم بشویم.

دید و بازدید از صدیق از ساعت ۳/۴ بعد از ظهر همانروز همچنان ادامه داشت و کارگران به جز شهر سنندج از شهرهای کامیاران و کرمانشاه برای ملاقات صدیق در راهند و..... شیت امانی رئیس هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار نیز روز بعد آزاد خواهد شد.

زنده باد همبستگی کارگری
اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار
۱۹/۳/۱۳۸۶
www.ettehade.com
k.ekhrabi@gmail.com

کارگران آزاد شوند. اما محمود صالحی همچنان در زندان سنندج است. صالحی قبلاً یکی از کلیه هایش را از دست داده و هم اکنون تنها کلیه او، فقط ۵۰ درصد کار میکند. خطر جانی این فعال کارگری را تهدید میکنند. برای آزادی او از زندان باید تلاش گسترده تری را در دستور گذاشت. محمود صالحی باید بدون قید و شرط و فوری از زندان آزاد شود. از هر طریق ممکن باید تلاش کنیم محمود صالحی را نجات دهیم. این وظیفه همه انسانهای آزادیخواه و همه کارگران است که به یاری محمود صالحی بشویم.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ خرداد ۱۳۸۶ - ۱۲ زون ۲۰۰۷

اتحادیه امروز بیش از همیشه قابل رویست بسود. کمیته کردستان حزب، آزادی شیت امانی و صدیق کریمی را به خانواده آنها و اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار تبریک میگوید. ما همچنین آزادی این فعالین کارگری را به همه کارگران و همه کسانی که برای آزادی او تلاش کردند تبریک میگوییم. کارگران مردم آزادیخواه! شیت امانی و صدیق کریمی با قدرت مبارزه شما از زندان آزاد شدند. این پیروزی را باید گرامی داشت و از تجارب و دستاوردهای آن باید آموخت. اتحاد و همبستگی و اعتراض یکپارچه شما باعث شد در زندان باز شود و این رهبران محبوب

به همت کارگران و مردم آزادیخواه، شیت امانی از زندان سنندج آزاد شد!

از صفحه ۱

زندانی تحویل دادند، اما مقامات زندان با مشاهده تجمع بیش از صد نفر از کارگران و بستگان شیت اعلام کردند تا این تجمع باشد او را آزاد نخواهند کرد. مردم حاضر که برای استقبال شیت به جلو زندان رفته بودند به این تصمیم مقامات زندان اعتراض کردند. این کشمکش تا ساعت ۱۸ ادامه داشت. اما در این ساعت ناچار به آزادی شیت شدند. به محض خارج شدن شیت امانی از زندان استقبال کنندگان او را گل باران و بوسه باران کردند. دهها ماشین حامل استقبال کنندگان، با روشن کردن چراغها و

کندند. دیگر سخنرانان ضمن ابراز خوشحالی و اعلام پیروزی کارگران در این نبرد سخت و نابرابر به صدیق کریمی و شیت امانی خیر مقدم گفتند و اعلام کردند که برای آزادی محمود صالحی نیز اقدامات لازم را انجام خواهند داد. خانواده شیت امانی و صدیق کریمی در این جمع ضمن تشکر و قدردانی از رهبری اتحادیه و همه کارگران و مردمی که همراه آنان برای آزادی این رهبران کارگری تلاش کردند تشکر نمودند. فضای پیروزی و اتحاد و همبستگی کارگران و رهبران

بوق زدن تا خانه شیت امانی این رهبر کارگری را همراهی کردند. در خانه بیش از صد نفر تجمع کرده بودند. تعداد زیادی به علت کمبود جا در مقابل در خانه ایستاده بودند. رهبران اتحادیه: شیت امانی، هادی احمدی، صدیق کریمی و جعفر عظیم زاده در این تجمع سخنرانی کردند. شیت و صدیق کریمی ضمن تشکر از همه کسانی که برای آزادی آنها تلاش کرده بودند به اتحادیه و اعضای آن به خاطر انسجام و اتحادشان تبریک گفتند و از همه کارگران خواستند که این اتحادیه را تشکل خود بدانند و آنرا تقویت

اخبار و اطلاعیه‌هایی از اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ایران در مورد آزادی صدیق کریمی و شیت امانی

نامه تشکر چیمین سلیمی و گلاله محمدی

دوستان و عزیزان بدینوسیله ما از طرف خود، فرزندانمان و سایر اعضای خانواده (پدر، مادر، برادران و خواهران شیت و صدیق) از تمامی اعضای اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار، بالاخص اعضای هیئت مدیره آن، تمامی همشهریان و دوستان عزیزی که از نقاط مختلف ایران (استان‌های تهران - اصفهان - کرمانشاه و شهرهای مختلف استان کردستان (سرشدت - سقز - بوکان - بانه - کامیاران - مریوان ...))، دانشجویان عزیز دانشگاه‌های امیرکبیر، علم و صنعت و ...، همچنین کارگران کارخانه‌های مختلف از جمله نساجی شاهو، نساجی کردستان، کارگران عسلویه، کارگران پتروشیمی پلی اتیلن کرمانشاه، کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه و عموم جمع‌های کارگری و... که تاکنون بطور خستگی ناپذیری برای آزادی شیت و صدیق تلاش نموده‌اند و با کمکهای خود چه مادی و چه معنوی لحظه به لحظه با ما بوده و ما را تنها نگذاشته‌اند نهایت سپاس، تشکر و قدردانی را داریم. از صمیم قلب برای تمامی این دوستان و عزیزان آرزوی موفقیت و سربلندی داریم.

چیمین سلیمی همسر صدیق کریمی
گلاله محمدی همسر شیت امانی

۱۷/۳/۱۳۸۶

ماهیانه سنندج، توسط اتحادیه دریافت شد. ما در اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار دست شما را به گرمی می‌فشاریم و امید آن داریم تا بخشهای مختلف طبقه کارگر - بویژه در شرایط حاضر، با تعمیق و گسترش هر چه بیشتر همبستگی طبقاتی خود، سد محکمی را در برابر تعرض روز افزون سرمایه داری ایران به حقوق انسانی شان ایجاد نمایند.

زنده باد همبستگی کارگری اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ۱۸/۳/۱۳۸۶

www.ettehade.com
k.ekhrabi@gmail.com

سراسری کارگران اخراجی و بیکار سپرده شده بود تا در اختیار خانواده های محمود صالحی، شیت امانی و صدیق کریمی قرار بگیرد.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار دست همه دوستانی که برای جمع آوری این کمک مالی زحمت کشیدند به گرمی می‌فشارد و برای همه آنان آرزوی موفقیت و پیروزی دارد.

زنده باد همبستگی کارگری اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ۱۸/۳/۱۳۸۶

www.ettehade.com
k.ekhrabi@gmail.com

سنندج از روز پنجشنبه مورخه ۱۷/۳/۱۳۸۶ دست به اعتصاب غذا زده است.

کارگران و مردم آزادیخواه

جان محمود در خطر است، محمود یکی از رهبران جسور طبقه ماست که امروز در بدترین وضعیت جسمانی به بند کشیده شده است، درنگ جایز نیست، باید به این وضعیت بطور آکیدی اعتراض کرد، نباید اجازه داد محمود صالحی از دستمان برود یا جسم و جان او در معرض خطر جدی قرار بگیرد، باید فوراً دست بکار شد و اعتراضی گسترده را برای آزادی و مداوای محمود صالحی سازمان داد.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ضمن درخواست از محمود صالحی برای پایان دادن به اعتصاب غذا، وظیفه مبهم طبقاتی خود میدانند تا به این وضعیت و تا آخرین لحظه ی پایان دادن به آن، اعتراض کند، این حق ماست، محمود صالحی پرچمدار جنبش اول ماه مه است و این جنبش متعلق به ما کارگران است.

پیش بسوی اعتراضی فوری، متحدانه و گسترده برای آزادی و مداوای محمود صالحی زنده باد اول ماه مه زنده باد همبستگی کارگری

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ۱۹/۳/۱۳۸۶

www.ettehade.com
k.ekhrabi@gmail.com

ملاقات اعضای هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار با خانواده محمود صالحی

روز پانزدهم خرداد ماه ۱۰ نفر از اعضای هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار به همراه سه نفر از اعضای اتحادیه در شهر سقز با خانواده محمود صالحی دیدار کردند. در این دیدار اعضای هیئت مدیره اتحادیه، ضمن اهدا مبلغ ۳۵۵۲۵۰۰ ریال به خانواده محمود صالحی بر آمادگی این اتحادیه برای هرگونه تلاشی جهت آزادی محمود صالحی تاکید کردند. همچنین هفته قبل نیز کمک مالی کارگران پلی اتیلن پتروشیمی کرمانشاه به مبلغ یک میلیون ریال که با تلاش اعضای اتحادیه جمع آوری شده بود در اختیار خانواده محمود صالحی قرار گرفته بود.

لازم به یادآوری است که مبلغ ۳۵۵۲۵۰۰ ریالی که در اختیار خانواده محمود صالحی قرار گرفت از مجموع مبلغ ۱۰۶۵۷۵۰۰ ریالی بود که توسط جمعی از کارگران جمع آوری شده و به اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار سپرده شده بود تا در اختیار خانواده های محمود صالحی، شیت امانی و صدیق کریمی قرار بگیرد.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار دست همه دوستانی که برای جمع آوری این کمک مالی زحمت کشیدند به گرمی می‌فشارد و برای همه آنان آرزوی موفقیت و پیروزی دارد.

زنده باد همبستگی کارگری
اتحادیه سراسری کارگران
اخراجی و بیکار ۱۸/۳/۱۳۸۶
www.ettehade.com

زنده باد همبستگی کارگری

بیاد منصور حکمت



عبد گلریبان

روز پنجشنبه ۴ ژوئیه ۲۰۰۲ بزرگترین متفکر مارکسیست تاریخ معاصر، منصور حکمت (ژوبین رازانی) قلبش از طیش باز ایستاد.

گفتن و نوشتن از منصور حکمت عزیز، گفتن و نوشتن از رهبر جنبش کمونیست کارگری، انتهایبی ندارد همانگونه که گفتن و نوشتن از مارکس بی انتهاست.

بیان این بی انتهایبی نه تنها به این خاطر که صرفاً منصور حکمت تئورسیون، رهبر، سازمانده، مبتکر، نظریه پرداز جنبش کمونیسم کارگری و یا خالق کوهی از ادبیات و آثار کمونیستی و کارگری بود، بلکه اساساً و بدواً به این خاطر که منصور حکمت **متکی و مسلط بر متدلوزی مارکس و مارکسیسم برای تغییر وضع موجود در دنیای امروز بود.**

اکنون و بعد از ۵ سال از گذشت این انسان بزرگ، بعد از گذشت ۵ سال از فقدان این نابغه دوران معاصر، روایت دیگری از این شخصیت تاریخی توسط کسانی که خود را طرفدار حکمت میدانند، عرضه می شود. جا دارد که در گرامیداشت یاد او و در زدودن این روایتها، بر تلاش تاریخی منصور حکمت بعنوان کمونیستی دخالتگر برای تغییر وضع موجود تأکیدی مداوم کرد. درکی از منصور حکمت وجود دارد که در دنیای سیاست، در مبارزه طبقاتی و اجتماعی، حکمت را بگونه ای دگم و کلیشه ای فهمیده است و تلاش و فعالیت خود را بر اساس این درک خشک و کلیشه وار خویش پراتیک می کند و مواضع و سیاستهای دیگری را در عملکرد خود بدست می دهند.

جریانی که خود را حزب کمونیست کارگری حکمتیست مینامد، جریانی که خود را حزب اتحاد کمونیسم کارگری می خواند، تنها و تنها با رجوع به گفته ها و نوشته های منصور حکمت و با کلیشه برداری از نظرات او، افق، سیاست و مواضع خود را ترسیم می کنند. این نوع درک و شناخت درکی متافیزیکی و جامد از منصور حکمت است که در عرصه عملکرد مبارزه سیاسی، طبقاتی و اجتماعی این احزاب انعکاس می یابد و نتایج عملی بی روح و راکدی را هم از آن بدست می دهند.

اینها که خود را با نام منصور حکمت تعریف و توصیف می کنند، برای پاسخگویی به هر معضل اجتماعی، در اتخاذ هرگونه سیاست و مواضعی، بلافاصله شروع به ورق زدن آثار و نوشته های او می کنند. قطعاً رجوع به منصور حکمت و خواندن و مطالعه آثار با ارزش و گرانبهای او در پاسخ گویی به معضلات و پیچیدگی های جامعه بشری، کاری مفید، لازم و ضروری است. آثار منصور حکمت را باید بارها و بارها خواند، تکثیر کرد و اشاعه داد و همانند آثار مارکس به زبانهای مختلف ترجمه کرد و در دسترس قرار داد اما نه برای نقل کردن فاکتهای معینی که به دلخواه انتخاب میشوند تا نظریات امروز خود را برای تغییر ندادن دنیا توجیه کنند.

بلکه خط ناظر و حاکم بر آثار حکمت را در پاسخگویی به مصائب و معضلات دنیای امروز باید بکار گرفت. بلکه رجوع به آثار و ادبیات منصور حکمت باید بتواند ما را در بکارگیری متد او در مورد پدیده های امروز و تغییر دنیای امروز یاری دهد.

قادر نمی بود به منصور حکمتی که ما از او بعنوان بزرگترین متفکر مارکسیست نام می بریم، تبدیل شود. بدون این متدلوزی، سوسیالیسمی که اساسش انسان است برای کسی قابل درک نمی بود. بدون اتکا به این متد مارکس گونه در باز شناسی مارکس، مارکسیسم همچنان زیر آوار می بود.

اگر سوسیالیسم همین امروز را منصور حکمت بعنوان نیاز فوری و ضروری جامعه بشری عنوان می کند، اگر حزب و حزبیت را یکی از حلقه های اصلی در سازماندهی و متشکل کردن طبقه کارگر تأکید میکند، نه از سر تجزیه و تحلیل اوضاع سیاسی و مصلحت روز، بلکه از سر ضرورت تاریخی و عینی این نیاز است که سوسیالیسم معنا و مفهومی مادی، عینی و واقعی می یابد. ضرورت و نیازی که به تاریخ قبل از مارکس و مارکسیسم بر می گردد.

جریانات "مدافع منصور حکمت" که فوقاً اشاره شد، سوسیالیسم خواهی شان منوط و

مشروط به آمادگی یا عدم آمادگی کارگران و جامعه است. "مردم از سوسیالیسم رم می کنند" حتی بی ربط تر و بی خاصیت تر از آن درک کلیشه ای مورد نقد است.

و بلاخره بعد از ۵ سال از درگذشت منصور حکمت، درکی وجود دارد که با نام و به اسم منصور حکمت، کسب قدرت سیاسی را نه تنها کلیشه وار بلکه این قدرت سیاسی را در شریک شدن با جریانات بورژوازی، ملی مذهبی و رانده شده از حکومت می فهمد. در گرامیداشت یاد منصور حکمت، باید تلاش کرد که چنین تصویر و نگرشی به منصور حکمت الصاق نگردد.

این برداشت و این درک از منصور حکمت، با مارکس نیز همین رفتار را بکار می بندد. مواضع اتخاذ شده در مورد هر پدیده ای توسط مارکس، مواضعی راهگشا و پاسخی به آن پدیده معین در مقطع زمانه خود او است. اما همین موضع و برای پاسخ به یک پدیده کنکرت در شرایط امروز، همانند جوابی که ۱۵۰ سال پیش مارکس اتخاذ کرد نیست. بلکه درک و نگاهی که مارکس بعنوان یک جهانبینی تاریخی و دگرگون کننده، برای نجات بشریت ارائه داد، همان جهتی بود که امروز در دنیا به متدلوزی مارکسیسم معروف است. و این همان نگاهی است که منصور حکمت در طول حیات فعالیت


تئوریک، سیاسی-نظری و مبارزاتی خویش ارائه داد. بر اساس همین درک از مارکسیسم و متد مارکس است که منصور حکمت برای هر معضل و هر گره گاهی، پاسخ روشن و شفاف به شیوه مارکس و برای تغییر در اوضاع جهان امروز را میدهد.

در پنجمین سال گرامیداشت او نباید گذاشت که منصور حکمت را به کلیشه ای مقدس، جامد و ساکن تبدیل کنند. اگر متد مارکس برای منصور حکمت پاسخی برای هر دوره از نیاز تاریخ جامعه بشری است. درست به این خاطر است که مارکسیسم یک خط تاریخی، تغییر دهنده و متحول کننده است.

در پنجمین سالگرد درگذشت منصور حکمت و بیاد این انسان بزرگ و رهبر جنبش کمونیسم کارگری، تلاش کنیم با گسترش و اشاعه آثار و نظراتش در میان طبقه کارگر و در میان همه انسانها، اعلام کنیم که: **عظمت منصور حکمت بخاطر اتکایش به متدلوزی مارکسیسم برای تغییر اوضاع دنیای امروز بود.**

برای درک این موضوع، مراجعه به آثار منصور حکمت نشان میدهد که او چه اندازه فاکت از مارکس نقل میکند و چه اندازه متد او را بکار میگیرد. یاد منصور حکمت عزیز در تاریخ همیشه گرامی خواهد ماند.

۱۲ ژوئن ۲۰۰۷



محمود صالحی
فعال اول مه سقر،
باید فوراً و بدون قید و شرط
آزاد شود!

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

Mahmood Salehi

دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید به سوسیالیسم، بدون "خطر" سوسیالیسم، به چه منجلابی بدل میشود!

منصور حکمت



محمد آسگران

۷ ژوئن ۲۰۰۷

در بخش اول این نوشته، گفتیم که دنیا در حال بازنگری و اعتراض به دو قطب تروریستی است. مردم از دخالت مذهب و از ترور و قتل و بمباران و نابودی هزاران نفر به دست این دو قطب ضد انسانی معترض هستند. پروسه بازبینی و بازنگری و پروسه نقد آغاز شده است. اکنون ما با پروژات یک جنبش جهانی علیه میلیتاریزم دولتی غرب، علیه مداخلات دولتهای اروپایی با اسلام سیاسی و علیه تروریسم اسلامی و اسلام سیاسی و علیه نقش کلیسا مواجه هستیم. این جنبش بنا به تعریف ضد مذهبی، سکولار و آنتیست است و بر علیه همه مذاهب و بویژه علیه اسلام سیاسی و اسلام آغاز شده است. ما بعنوان کمونیستها و حزبی که در سطح بین المللی بویژه در ایران فعال هستیم، این شرایط را درک کرده و برای ایجاد چنین شرایطی دخیل بوده ایم. با اعلام مبارزه ای عملی علیه همه مذاهب و بویژه علیه اسلام سیاسی در دنیا، در غرب و از جمله در کشور آلمان، به یک کمپین دست زده ایم و تلاش میکنیم این کمپین را جهانی کنیم. کمپینی که جفت شش آورد و باعث عطف توجه میلیونها نفر در آلمان و در دنیا به ما شد.

این کمپین با دیگر کمپینهای ما بسیار متفاوت است. این کمپین جهانی است زیرا جنبشی جهانی وارد میدان شده است. ما سازمانی و کمپینی برای تحرك جامعه و سمت و سو دادن به آن را آغاز کرده ایم. و با نام گذاری آن به اکس مسلم و کمپین "ما از مذهب رویگردانیم" تلاش میکنیم هم مردم کشورهای اسلام زده و هم همه انسانهای ضد مذهب در کشورهای غربی را بسیج و سازمان بدهیم و به میدان بیاوریم. در این راستا پیشرویهایی قابل توجهی داشته ایم. زیرا جریانات و افرادی در راس این حرکت هستند که بسیار فراتر و وسیعتر از ما است.

اسلام گیت منشعبین عاقبت چپ "ضد امپریالیست" (۲)

ما تنها سازمان کوچکی در راس بخشی از این جنبش هستیم. این سازمان و این شکل از کمپین قرار است راه نشان بدهد که خروج از اسلام را به شکل توده ای عملی کند و سازمان بدهد. این تشکل، تشکل تنها کمونیستها نیست. این حرکت و کمپین متعلق به همه انسانهای ضد مذهب و ضد اسلام است. بنیان گزاران آن هم فقط کمونیستها نیستند. این تشکل دیگری برای فعالیتهای تا کنونی ما نیست فراتر از همه اینها است نوع تازه تر و فراتری از کمپینهای تا کنونی ما است. مخالفین ما در یک چهارچوب محدود و فرقه ای این کمپین را ارزیابی میکنند دلیل هم علاوه بر محدود نگری و دید مثبت آنها به اسلامیهای میلیتانت علیه آمریکا و... اساساً دوری و بیخبری و عدم تحلیل آنها از اوضاع فعلی دنیا و روندهای سیاسی در جریان است.

اکنون جامعه فارسی زبان هم کم کم متوجه این کمپین میشود. جالب این است که اپوزیسیون "چپ و سکولار" جمهوری اسلامی، با برداشتی نیمه مذهبی و عقب مانده در مجموع با سکوت و بی تفاوتی به این حرکت اجتماعی برخورد میکنند. اخیراً اتهامات و نوشته هایی از دوستان سابق، یعنی منشعبین یا همان حزب "حکمتیست" را شاهد هستیم که البته کسی از حزب طوفان هم طوفانی تر شده اند؟! و اتهاماتی تثار ما کرده اند که قابل انتظار نبود. متأسفانه اینها به یک خود فریبی و افتضاح سیاسی دچار شده اند. "اسلام گیت منشعبین" مناسب ترین لقبی است که میشود به اینها داد. اینرا پایتتر توضیح میدهم. اینها بعد از سکوتی تقریباً طولانی و بعد از اینکه متوجه شدند که بخشی از تشکیلاتشان به این کمپین علاقه نشان میدهد، راه چاره را در این دیدند که در مقابل اپوزیسیون داخلی خود به عقب مانده ترین "استدلال" و سخیفترین اتهامات علیه ما روی آورند. بعد از به عقب راندن چپ سنتی و دوم

"حکمتیست" اخیراً علیه کمپین "اکس مسلم" نوشته اند: "بشت این کمپین از بورژوازی دست راستی غرب تا موساد و کلیسای کاتولیک خوابیده و برای ش هزیننه می کنند".

این اتهامات سخیف علیه هر انسانی، باید محکوم شود. این یک بدعت دراپوزیسیون است. این اتهامات اگر از سوی فلان حزب الهی یا رئیس دانا و گنجی و حجاربان به روی ما پرت میشد، شاید با جوابی ساده و درخور حال آنها، از کنار اتهاماتشان میشد رد شد. زیرا آنها شغلشان اتهام زدن و دفاع از کیان اسلام و جنبش ملی اسلامی بوده و جایگاهشان معلوم است.

اما اخیراً کسانی که این اتهامات را به کمونیستها میزنند و اعلام میکنند که "موساد و... برای این کمپین هزینه میکنند"، مدعی "چپ بودن و مبارز بودن و اپوزیسیون جمهوری اسلامی بودن هستند! اینجا دیگر بحث سیاسی نیست. موضوع هنگامی که به همکاری بایک دستگاه مخوف و تروریست مانند موساد میرسد، باید اتهام زننده یا ثابت کند و یا رسماً معذرت بخواهد. با این اتهامات نباید کنار آمد. اپوزیسیون جمهوری اسلامی هر اختلافی که با هم داشته باشند، نباید به این فرهنگ آخوندی عادت کنند. اینها بحث سیاسی یا اختلاف سیاسی نیستند اینها فتوای آخوندی است. توجه کنید ایشان در ادامه اتهامات بی سند و مدرک خود چنین نوشته اند: "جریان اکس مسلم و ی معنی واقعی این کلمه یعنی "مسلمان سابق"، بسیاری بیشتر از هر رنگ و لعابی که به آن زده شود، لشکری است در اردوی کلیسای رسمی و نهاد های بورژوازی دولتهای غربی و در بسیاری موارد سازمان یافته و تاملین اعتبار مالی و تبلیغاتی از جانب نهادهای رسمی وابسته به راست ترین جناحهای حکومتی راه اندازی شده است".

این اتهامات جواب سیاسی نمیخواهد ادبیاتی از نوع کیهان شریعتمداری و کیهان هوایی است، و باید در همان کانتکت آن را دید و جواب داد.

در ادامه و در تایید این ادبیات اسلامی، حزب "حکمتیست" یک

قرار تصویب کرده است که مردم را از پیوستن به این کمپین منع میکند عین قرار مصوب رهبری این حزب چنین است:

در مورد کمپین "اکس مسلم" قابل توجه همه اعضای حزب در خارج کشور

کمپته رهبری حزب حکمتیست نشریه کمونیست هفتگی، مواضع حزب را اعلام می کند و موضع اعلام شده در شماره ۱۴۷ این نشریه در مورد کمپین "اکس مسلم" در خارج کشور موضع حزب حکمتیست است. باعث تأسف است که رهبری حزب کمونیست کارگری بازم به بازی به چنین میدانی کشیده شده است. ما همانگونه که همگان را از مشارکت در تحرکات جریاناتی نظیر هخا، الحوزا، ترک پرستان و ناسیونالیست های کرد و فارس و غیره در ایران منع کرده و اهداف این به اصطلاح مبارزات را افشا نموده ایم، امروز هم نه تنها از کمپین "اکس مسلم" حمایت نمی کنیم بلکه از یک موضع کمونیستی و ضد مذهبی با هرگونه توهم به این کمپین مبارزه میکنیم و مردم را از پیوستن به آن منع میکنیم. این کمپین در نهایت آب به آسیاب جریانات اسلامی و دست راستی در اروپا میریزد.

کمپته رهبری حزب حکمتیست
۲۷ مه ۲۰۰۷

همین چند جمله تناقضات زیادی را در خود دارد. چگونه است که کمپینی در آلمان علیه سازمانهای اسلامی اعلام موجودیت میکند و عملاً باعث میشود که این سازمانها و دولت آلمان در مداخلات با آنها عقب نشینی هایی را بپذیرند، ولی در عین حال هم "به نفع جریانات اسلامی است و هم آب به آسیاب جریانات دست راستی اروپا میریزد". این اتهامات عقب مانده در حالی که روی ما پرت میشود، که در آلمان میان ما از یک طرف و اسلامیها و مدافعین آنها از طرف دیگر یک دعوی تن به تن با سازمانهای اسلامی در جریان است. در نبود ما، و جریانات مترقی ضد مذهبی، گروههای دست راستی با پرچم اعتراض به خارجیها و مردم منتسب به مسلمان میتوانستند

اسلام گیت منشعبین . . .

فضای جامعه را راسیستی کنند. این جریانات همین حالا وجود دارند و یک بخش از مبارزه ما علیه آنها است.

اما با این احکام مشعشع دلسوزان اسلام، که گویا ما آنرا استثنا کرده و کمتر علیه دیگر مذاهب مبارزه میکنیم و به اسلام اجحاف میشود، تکلیف ما روشن است. اینها از سر "عدالت" خواهی مبارزه با مذاهب که گویا این "عدالتخواهان" میخواهند علیه همه مذاهب به یک اندازه مبارزه شود، ما "هم به اسلامیهما خدمت میکنیم، هم به دست راستی های اروپایی!؟". جل الخالق، نویسندگان این چند خط، کجا زندگی میکنند و چه اندازه از دنیای امروز در کره زمین و این جنبش ضد مذهبی و کمپین مورد بحث اطلاع دارند؟ چه منافع حقیری اینها را این چنین به خودفریبی و اداری کرده است؟ اینها سواتی محوری است. البته این اولین بار نیست که این مرکز غیبی فتوای "نکند" و "در خانه بمانید" را صادر کرده است.

جالب است، رهبری یک "حزب سیاسی"، کارش این شده است که مدام دستورالعمل صادر کند و مردم را از حرکت و فعالیت و مبارزه منع کند. در مقابل این سیاست رسمی و به ویژه نوع و لحن و ادبیات اسلامی آن حتی در درون خودشان هم مجادله است. قبلاً به همین نارهبران گفته اند که دیگر حق ندارند، مردم را "خر" خطاب کنند و یا با تفرعن با مردم صحبت کنند. این بار باز هم در یک تند بیج سیاسی رهبری این "حزب" با یک فرهنگ شناخته شده و نخ نما به دفاع از اقتضاحات سیاسی گذشته خود پرداخته است. قرار بالا تاکید کرده است که اگر در جریان شورش مردم در آذربایجان و کردستان و....، دستور خانه نشینی به مردم داده شد اینجا یک بار دیگر بر آنها تاکید میشود. به اعضایشان میگویند علیه اسلام سیاسی نباید کاری داشته باشند و نباید به سازمان اکس مسلم پیوندند. اگر چه تعدادی در درون خود اینها معترض هستند و نمیخواهند مثل رهبریشان مدافع حزب الله باشند. اما این قرار حکم منع آنها برای پیوستن به

متافیزیکی آنها خود را به نمایش گذاشته است. به همین دلیل آنطرف صف در کنار حزب الله ایستاده و علیه کمونیستها و ضد مذهبا شمشیر می کشند.

برای اینها صف مردم معترض دنیای متمدن و بشریت مخالف این دو قطب، معنایی ندارد. اینها پشت سر حسن نصرالله در لبنان و جنبش "مقاومت" اسلامیهما بر علیه "بیگانگان و شیاطین غربی" در عراق به صف شده و ته صف ایستاده اند. رهبری حاکم بر این جریان در مورد خطر جنگ در ایران هم همین موضوع را نمایندگی کرده است. آنها نقششان تنها به قلدری آمریکا و علیه تجاوزگری آمریکا است. در جریان بحران اتمی جمهوری اسلامی و آمریکا، رسماً اعلام کردند که چرا جمهوری اسلامی هم مانند اسرائیل و پاکستان و.... نتواند بمب اتم داشته باشد. آنها اعلام کردند نباید دوپل مورال به جمهوری اسلامی برخورد شود. آنها آرزو دارند که "ایران" با داشتن بمب اتم "سویراپور" شود. ته استدلال اینها این است که اگر به فرض محال فردا حکومت موردنظر آنها هم در قدرت باشد، تنها با اسلحه اتمی میتوانند در مقابل آمریکای تجاوزگر خودشان را حفظ کنند. این سیستم فکری و این نوع جهان بینی ناچاراً در کنار حسن نصرالله قرار میگیرد و آنها را جنبش بر حق مردم لبنان در مقابل امپریالیسم و صهیونیسم میداند. این سیستم فکری نمیتواند در مقابل فعالیت اجتماعی و پر سر و صدای ما علیه اسلام سیاسی فقط نفس در سینه حبس کند. به همین دلیل هنگامی که یک سوراخ کوچک در بادکنکشان ایجاد میشود تمام محتویات داخل آن به بیرون پرت میشود.

فرمان چند خطی کمیته رهبری این "حزب"، قطعاً در درون سازمانشان نیز با مخالفت بیشتری روبرو خواهد شد. نوشته آقایان نودینیان و قزوینی و.... در متهم کردن ما به پول گرفتن از موساد قطعاً با موجی از تنفر مواجه میشود. کمونیستها و فعالینی که به ناحق در کنار کوروش مدرسی سکنی گزیده اند به این راحتی پشت سر حزب الله و حسن نصرالله بسیج نمیشوند و این اتهامات نوع رئیس دانا و سحابی و گنجی و حجابیان

علیه کمونیستهای کارگری را از رهبریشان قبول نخواهند کرد.

داستان عقب ماندگی و تعلق خاطر این نوع چپ به مذهب اسلام و فرهنگ اسلامی و ناسیونالیستی قدیمی است. اما این بار خجولانه تر از همیشه تعدادی تازه وارد که از چپ به راست کوچ کرده اند، در جلد دفاع از "اتحاد مردم مسلمان و غیر مسلمان" در مقابل "امپریالیسم و صهیونیسم" و در لباس دروغین "مخالفت با همه مذاهب" برای توجیه سازش با اسلامیهما و در اعتراض به ما که گویا به ناحق اسلام سیاسی را استثنا کرده ایم، در کنار اسلامیهما علیه کمونیستهای کارگری ایستاده اند.

"چپهایی" مثل "حزب طوفان" و اسلامیهایی مثل حزب الله در لبنان و میلی گرووش در آلمان و احمدی نژاد در ایران و... تکلیفشان روشن است. اما آن دسته از "چپها" از نوع "حزب آقای مدرسی" که نفرتشان را علیه کمونیستهای کارگری نمیتوانند مخفی کنند، در چند سال اخیر در مقابل اسلامیهما لگنت زبان گرفته و با لطافت با آنها حرف میزنند. این چرخش به راست افراطی را باید زیر نورافکن قرار داد. اینها در رابطه با کمپین علیه اسلام سیاسی دهها صفحه کاغذ علیه کمونیستها و ضد مذهبا سیاه کرده اند. کمونیستها را به جرم ضد مذهب و ضد اسلام بودن، وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم و موساد و... معرفی میکنند و به قول خودشان "افشا" میکنند. اما اسلامیهما و حزب الله را چتر حمایتی مردم لبنان و سازنده مدارس و کودکان و... معرفی مینمایند.

این نگرش البته به حزب مزبور محدود نیست. فراتر از اینها و از قبل هم وجود داشته است. این نگرش به اسلام سیاسی، در میان تعدادی از "رهبران فکری" فراکسیونی هم که اخیراً از ما جدا شده اند نیز زمینه و سابقه دارد. به همین دلیل در این مورد نیز در کنار مدرسی قرار گرفته اند. در مباحثات قبلی ما با اینها در مورد نحوه برخورد به شیرین عبادی، برخورد به اعتراضات مردم در آذربایجان، تا بحث خلع سلاح حزب الله در لبنان و تا دفاع از "مردم مسلمان" و یا "زنان مسلمان"، تا بحث جنگ در لبنان همه و همه

سایه روشن این مباحث را میتوان دید و اکنون علی جوادی آشکارا اعلام کرده است که "شرم دارم خود را اکس مسلم بنامم" ایشان بدون اینکه متوجه شود که یک سازمان میتواند انواع کمپین به نامهای مختلف سازمان بدهد بسیار ناشیانه اعلام کرده است که اسم فارسی و انگلیسی این سازمان با هم تفاوت دارد. منتقدین حتی به خودشان زحمت نداده اند که اسناد و سیاستهای این حرکت را بخوانند و با رجوع به یک فاکت قابل قبول نقدشان را ارائه دهند. ذهنیت خود را به جای مواضع ما قرار داده و نقد میکنند. عجیب این است که هیچ کدام از منتقدین یک فاکت از ما و کمپین ما را نقل و نقد نکرده اند. اما به وفور مثل بچه محصل بیخبر از دنیا و بی مسئولیت اتهام تشار ما کرده اند.

این صف مهجور که امروز نسبت به اسلامیهما "معقول" شده اند، تا دیروز در کنار کمونیستهای کارگری و علیه اسلام سیاسی بودند. با یک چرخش سیاسی اکنون ادعا میکنند سازمان اکس مسلم "در بازی قدرت های غربی داخل شده است". معلوم نیست بر اساس چه مدرک و گفته و نوشته ای این چنین بی مهابا به دیگران اتهام میزنند. ادعا میکنند این سازمان و کمپین ما از مذهب رویگردانیم "علیه همه مذاهب نیست". از کجای این کمپین چنین برداشتی کرده اند معلوم نیست. این نوع تحلیل آبکی و بی سرو ته را فقط خودشان و فرقه شان باید بفهمند. زیرا هیچ فاکتی برای این ادعای خود ندارند. ادعا میکنند قبلاً از این نوع سازمانها را "امپریالیستها و صهیونیستها" درست کرده اند. اگر این ادعا هم درست باشد معلوم نیست چه ربطی به نا حق بودن ما دارد. بورژواها انواع احزاب و جریانات "چپ" دست ساز خودشان را هم سر هم پندی کرده اند. آیا دلیلی بر عدم حقانیت بقیه سازمانهای چپ است؟ ادعا میکنند "شرم دارند خود را اکس مسلم بدانند، زیرا کمونیستها نباید به این اسم فعالیت کنند." جواب ساده است، کمپین علیه اعدام، علیه سنگسار، علیه حجاب و سازمانهای آته نیستی و.... هم باید شرم داشته باشند که به این اسامی فعالیت

اسلام گیت منشعبین . . .

کنند. این نگرش کسانی است که ربطی به جامعه و جنبشهای اجتماعی ندارند. محافل خودشان کافی است که آنها را راضی نگهدارد.

ادعا میکنند "این حرکت علیه اسلام سیاسی آب به آسیاب اسلامیهها و راستهای دیگر میریزد". معلوم نیست کمپینی که علیه مذهب و اسلام و اسلام سیاسی سازمان داده شده است چگونه میتواند به نفع اینها باشد؟ ادعا میکنند این نوع فعالیت "ارتجاعی است زیرا تفرقه ایجاد میکند". انگار آتیه تست بودن و سازمان ضد مذهبی درست کردن هم جرم است و ایجاد تفرقه میکند. ما از مذهب رویگردانیم و اکس مسلم معلوم است برای جامعه ای مبارزه میکند که دست مذهب را از ارکان قانونی و سیاستگذاری آن کوتاه کند. طرفداران دخالت مذهب در دولت و زندگی مردم نمیتوانند متحد ماباشند. میگویند اگر این حرکت يك جنبش توده ای بود میشد از آن حمایت کرد" میگویند اگر يك نفر چنین کمپینی راه مینداخت میشد تحملش کرد اما حالا که تعدادی کمونیستهای کارگری این کار را میکنند نه يك نفر است و نه يك جنبش پس راست است". این استدلال فقط از يك مغز معیوب و غیر اجتماعی میتواند ناشی شود. و بالاخره میگویند برای این کمپین موساد هزینه کرده است... این آخری بحث سیاسی نیست. این يك اتهام اسلامی و سخیف است. آنچه در بالا نقل شد از زبان و قلم حزب طوفان، حزب منشعبین و علی جوادی جاری شده است.

آیا کسی که خود را چپ و کمونیست و یا خود را فقط انسانی آزاده و شرافتمند بداند به این موضعگیریهها جز اسلامی بودن و عقب مانده و غیر اجتماعی چه توصیفی میتواند بکند.

این اتهامات سخیف و "انتقادات" و "ارزیابیهای" مذکور علاوه بر جریانات اسلامی و حزب چند نفره "طوفان" بویژه از سوی کسانی و یا محافلی صورت گرفته است که قبلاً از حزب

کمونیست کارگری ایران جدا شده اند. منشعبین که سه سال قبل با پرچم راست رفتند، بعد از خوابیدن گرد و خاکها، خرشان در گل فرو رفته و رهبرشان که پرچم دار "چپ هیچ چیز نیست و راست در جامعه دست بالا دارد و حزب الله مدرسه و مهد کودک میسازد و ... مورد اعتراض خودیها هم قرار گرفته است. ظاهراً حزب مذکور اگر با اطلاعاتیه ها و برخی موضعگیریهای بعد از وقوع ماجرا رنگ و روغن میشود ولی در درونشان قیامتی است. هر کس برای خودش يك حزب است و هر کس حرف خودش را میزند. درگیر شدن با دیگران و بویژه درگیر شدن با رهبران حزب کمونیست کارگری برای اینها در شرایط امروز نعمتی است. زیرا اینها هویت خودشان را نه در رابطه با جامعه و طبقات بلکه در تقابل با کمونیستهای کارگری تعریف میکنند. علی جوادی از اینها هم پرت تر و بی ربط تر به سیاست و جامعه است و نباید او را جدی گرفت.

اما منشعبین در این "جدال" بد جوری به مخصصه افتاده اند. هنگامیکه پیشنهاد (کمیته رهبری حزب "حکمتیست") فرمان چند خطی صادر میکند و از اعضا خود و مردم میخواهد که به سازمان اکس مسلم نپیوندند زیرا "این کمپین در نهایت آب به آسیاب جریانات اسلامی و دست راستی در اروپا میریزد"! نمازخوانهایی از نوع اسد نودینیان، جمال کمانگر و قزوینی و... ادبیات آن چنانی تولید میکنند که به درد مسجد و منبر آخوند میخورد. اینها حرکت ما را علیه مذهب و اسلام سیاسی صهیونیستی و وابسته به موساد معرفی میکنند. این افتضاح سیاسی که رهبری این جریان به بار آورده است عاقبت نا خوشایندی است. اینها اینبار تا قعر دره سقوط خواهند کرد. اسد نودینیان و محمود قزوینی و... از "حزب حکمتیست" حاضر شده اند اتهامات نخ نمای کیهان شریعت مداری را تکرار کنند. اینها مستقیم و غیر مستقیم نوشته اند: اگر ما

کمونیستهای کارگری علیه اسلام سیاسی فعالیت میکنیم، پول از سازمان امنیت اسرائیل گرفته ایم. ما این نوشته ها و گفته های اخیرشان را قاب میگیریم و به گردنشان آویزان میکنم تا مردم بدانند، که عاقبت راست روی و سینه زدن زیر پرچم "مردم از سوسیالیسم رم میکنند" راست در جامعه ایران دست بالا دارد" و "حزب الله لبنان چتر حمایتی مردم است" و دفاع از "آزادی بیان" حاکمان در جریان شورشهای آذربایجان و دفاع از "حق مساوی همه کشورها برای داشتن سلاح اتمی" به کجا میرسد!

مبارزه با مذهب

يك جنبه مبارزه و فعالیتهای سازمان اکس مسلم و همچنین مباحث چندین ماهه اخیر بر روی همین موضوع متمرکز است زیرا طرفداران کلیسا هم مثل "منشعبین عزیز ما" فکر کرده بودند که در این میان میتوانند کلاهی برای مشروعیت خود بدوزند. اما هنگامیکه بیانیه سازمان اکس مسلم و مصاحبه های رهبران این سازمان و کتاب اشمیت سالومون چاپ شد و ضدیتشان با هر نوع مذهب و خرافه ای عیان شد و مورد استقبال واقع گردید، آنها به صف مخالفین تند ما ملحق شدند. هنگامیکه دولت به دلیل مماشات با اسلامیهها و تدریس مذهب مسیحی و اسلامی در مدارس تحت فشار قرار گرفت همه متوجه شدند که داستان از چه قرار است. در مقابل این موج تعرض ما، همین جریانات هم به تبلیغات جنگ سردی پناه بردند و اعلام کردند که مینا احدی و اعضای این سازمان کمونیست و اعضای حزب کمونیست کارگری ایران هستند و بعضاً لقب استالینیست به حزب کمونیست کارگری الصاق کردند که بتوانند تعرض ما را خنثی کنند. با این وجود اکنون اصحابان غار نشین در حزب توفان و منشعبین، از ما میپرسند آیا ما فقط علیه اسلام هستیم، یا همه مذاهب. و علی جوادی هم ما را راست توصیف کرده است که گویا آب در سیاست ضد مذهبیان ریخته ایم. معلوم نیست این آدمهای غیر مسئول از کجا بر اساس کدام سیاست و کدام سند

چنین ادعا میکنند. انسانهایی که مسئولیتی احساس نمیکند و نقشی در دنیای موجود نمیتوانند بازی کنند ظاهراً مجازند که هر حرف سبک و بی قیمتی را به زبان بیاورند. اینها قاضی خود گمارده ناظر بر فعالیت ما شده اند. انگار خودشان در کره مریخ زندگی میکنند و زبان و قلمشان بند آمده است که در این دنیای کثیف کاری به نفع جامعه انجام بدهند.

برای اطلاع خوانندگان اینجا توضیح کوتاهی را لازم میدانم که این حرکت و ایده آن چگونه تکامل پیدا کرد. کمپین سازمان اکس مسلم به اسم "ما از مذهب روی گردانیم" اعلام شده است. این با حرکت و جنبش زنان در سال ۱۹۷۱ تداعی میشود. کمپینی با عنوان "ما سقط جنین کرده ایم"، حرکتی بر علیه غیرقانونی بودن سقط جنین در آلمان. آنزمان مجله اشترن، عکس تعداد زیادی از زنان را روی جلد خود چاپ کرد و این شروع يك حرکت موفق در آلمان بوده است. میکائیل اشمیت سالومون که یکی از چهره های شناخته شده ضد مذهب در آلمان است، ایده اولیه کمپینی به این نوع را بر علیه مذهب و اسلام داشت که با مینا احدی در این مورد حرف زده و توافق کردند که بر طبق این الگو در آلمان کمپینی راه انداخته شود. در ادامه جلسات آمادگی برای سازمان دادن این حرکت که حدود یکسال به طول انجامید، با چندین سازمان چپ، سکولار و اوامنیست و ضد مذهب در آلمان، تصمیم گرفته شد که با مجله اشترن صحبت شود و درست طبق همین الگوی ۱۹۷۱ رفتار شود. اما در جریان رقابتهای مدیا با هم قبل از اعلام موجودیت رسمی سازمان اکس مسلم، مصاحبه مینا احدی و نور جباری با مجله فوکوس که قرار نبود علنی شود از طرف این مجله بر خلاف توافق قبلی علنی شد و به همین دلیل این کمپین از طریق مجله اشترن به همان شکل مورد توافق معرفی نشد. اما دهها روزنامه و مجله و از جمله اشترن به اشکال دیگری این کمپین را معرفی کردند.

ما در همه این رسانه ها بر علیه همه مذاهب موضع گرفتیم و سازمانی را که اعلام کردیم، متکی بر تحلیلی واقع بینانه و

مارکسیستی از اوضاع دنیا و یکه تازی اسلام سیاسی و میلیتاریسم آمریکا است. به همین دلیل ما سازمانی اساساً بر علیه اسلام و اسلام سیاسی تشکیل دادیم، که خود را بخشی از جبهه سوم میدانند علیه هر دو قطب تروریستی فعالیتت را آغاز کرد.

اما در مورد اسم این سازمان: در مورد اسم این سازمان خیلی بحث شد. پیشنهادات مختلفی مطرح شد. اما ما باید سازمانی اعلام میکردیم که پرووکاسیون میکرد و توجه ها را جلب میکرد. سازمان و یا شورای مرکزی کسانیکه از اسلام دست کشیده اند و اسم "اکس مسلم" و "ما از مذهب رویگردانیم"، نتیجه مباحثاتی طولانی بود. در عمل دیدیم که این اسم درست ترین انتخاب بود. ما در بیانیه اعلام موجودیت این سازمان اعلام کردیم که جنبش ما جنبشی علیه همه مذاهب و علیه اسلام و بویژه اسلام سیاسی است. ما يك سازمان سیاسی هستیم در مقابل اسلام سیاسی می ایستیم. در هر مصاحبه و یا مناظره ای در مورد همه این جوانب سوال شده و جواب داده شده است. در بیانیه این سازمان در اسکاندیناوی که فارسی آن نیز برای همه قابل درس است این مضامین صریح نوشته شده است. "مخالفین" ما اگر غرض و مرضی نداشتند میتوانستند ماهیت و اهداف این سازمان را مثل دیگران مطلع شوند و قضاوت کنند. اما مشکل اینها چیز دیگری است. اینها فعالیت فرقه ای را بر فعالیت اجتماعی ترجیح میدهند. این يك خاصیت چپ حاشیه ای بوده و هست.

ما رسماً و علناً اعلام کرده ایم که بخشی از جبهه سوم در مقابل دو قطب تروریستی اسلامی و میلیتاریسم آمریکا و متحدینش هستیم. ما نمیتوانستیم با دوستان خودمان در آلمان و در این کمپین و یا با اشمیت سالومون به توافق برسیم، مادام که همه ما از جبهه سوم دفاع نمیکردیم و علیه دو قطب تروریستی نمی ایستادیم. میکائیل اشمیت سالومون و یا هارتموت کراوس سر دبیر نشریه "هینترگروند" و یکی از کمونیستهای معروف آلمان، از امضا کنندگان

اسلام گیت منشعبین . . .

اولیه بیانیه جبهه سوم در آلمان و از بنیان گذاران این کمپین "ما از مذهب رویگردانیم" هستند. آنها با ما این بیانیه را منتشر کرده و سایت جبهه سوم را لینک داده اند. اشمیت سالومون چندین کتاب ضد مذهبی معروف و پر فروش نوشته و شخصیتی محبوب و شناخته شده در آلمان است. او البته مورد نفرت اسلامپها، کلیسا و حاکمان است.

چپ سنتی در حاشیه جامعه!

امروز در دنیا جنگ و نبرد عظیمی با مذهب آغاز شده است. اینرا حتی مجله اشپیگل در همین شماره هفته اول ژوئن خود جار زده و نوشته است "همه چیز تقصیر خدا است" این تیتیر روی جلد شپیگل است. راست ترین محافل در هیئت حاکمه دول غرب نیز اذعان میکنند که اوضاع عوض شده است. استقبال بی نظیر از کمپین "ما از مذهب رویگردانیم" و سازمان اکس مسلم یک گوشه کوچک این تغییر اوضاع را نشان داد. استقبال بی نظیر از کتابهای انتقاد به مذهب و مثلاً کتابهای ریچارد داوکینز، استقبال از مصاحبه های مینا احدی و کتابهای ضد مذهبی بویژه ضد کلیسای اشمیت سالمون در آلمان، بی صدا و حاشیه ای شدن ترزا و تئوری پردازان مدافع نسبیت فرهنگی و جامعه مولتی کولتی و پست مدرنیستی، وجود گوش شنوا برای نقد به مذهب و نقد به اسلام و اسلام سیاسی، همگی در مقابل چشم ما در جریان است.

چپهای سنتی و عقب مانده و غیر اجتماعی، میگویند چرا به همه مذاهب نقد نمیکنید و فقط به اسلام و یا اسلام سیاسی گیر داده اید: کمپین سازمان اکس مسلم به اسم "ما از مذهب روی گردانیم" آغاز شده است و اعضا سازمان ما هم مسلمانان سابق هستند و هم دیگرانی که هرگز مسلمان نبوده اند. یک شرط عضویت در این سازمان این است که فرد باید آتئیست باشد

یعنی هیچ مذهبی نداشته باشد.

ما میتوانستیم سازمانی اعلام کنیم به اسم آتئیست، ضد خدا، ضد مذهب و اما کسی که کمی از دنیا خبر داشته باشد میدانند هزاران سازمان این چنینی همین الان وجود دارند. ما با تعداد زیادی از آنها ارتباط داریم. میتوانستیم سازمان علیه اسلام سیاسی اعلام کنیم، و یا هر اسم دلخواه دیگری که حزب طوفان و حزب "حکمتیست" را راضی کند را انتخاب کنیم. اما تمام بحث ما این بود که نمیخواستیم یک سازمان یا انجمن دیگری در کنار هزاران انجمن موجود باشیم. ما نمیخواستیم فعالیتی داشته باشیم که شباهتی به این چپ حاشیه ای و بیلرد داشته باشد و شب و روز در محافل خودمان به خاطره های گذشته رجوع کنیم.

ما می خواستیم دنیا را متوجه حقایقی بکنیم که تا کنون گوش شنوا برای شنیدن آنها نبود. ما میخواستیم سد میدیای میلیونی را بشکنیم که شکستیم. ما میخواستیم تابو شکنی کنیم و اسمی را انتخاب کنیم که تنها حزب الهی های رسمی را ناراحت نکند بلکه جریانان نیمه اسلامی را هم وادار به عکس العمل کند، که کرد. ما میخواستیم جامعه را قطعی کنیم. ما میخواستیم عکس مارکس و شعار آزادی برابری را به در جلو چشم میلیونها انسان قرار دهیم و این کار را کردیم. هنگامی که در پشت صحنه مصاحبه با مینا احدی در تلویزیون WDR که میلیونها بیننده دارد عکس مارکس و شعار آزادی برابری ظاهر شد این اصحابان غار نشین "منتقد" ما خواب بودند. ما تا کنون به بسیاری از این اهداف رسیده ایم. ما نمیخواستیم کاری کنیم که مثل سلمان رشدی و تسلیمه نسرین ناچار به مخفی شدن و مخفی زندگی کردن بشویم. ما کمونیستهایی هستیم که میخواستیم جامعه را به تکان در آوریم. ما نمیخواستیم و نمیخواهیم چپی از نوع گروههای حاشیه ای باشیم که مرتب با خودشان کلنجار میروند و نمیدانند در جامعه چه میگذرد.

ما کمپینی را آغاز کردیم که سلمان رشدیها را هم نجات بدهیم و آنها بتوانند علناً به خیابان بیایند و بگویند خدا و پیغمبران خدا را قبول ندارند و اسلامی ها هم هیچ غلطی نمیتوانند بکنند. در جریان این کمپین اسلامپها تا کنون البته بجز فرمان قتل غیر رسمی و مخفیانه بدون اسم و رسم، هیچ غلطی نکرده اند. ولی چپهایی از نوع "حزب طوفان" و حزب "حکمتیست" و علی جوادی تمام آنچه در درون داشتند را بیرون ریختند و متاسفانه بوی گند آن، همه انسانهای کمونیست و آزادیخواه را آزار داد. در کنار اسلامپها علیه کمونیستها و ضد دینها اتهام زدند و نوشتند و مصوبه اعلام کردند.

یک نکته محوری اما همواره مورد تائید ما بوده و در مصاحبه ها نیز تکرار شده است، یک جنبه مهم کار ما آگاهگری و مبارزه علیه مذهب و یا مذهب زدایی است. در دنیای امروز و در نظم نوین جهانی، اسلام و اسلام سیاسی یک قطب مهم تروریستی و یک محصول نظم نوین است. این نظم ضد انسانی است. اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی اکنون یک معضل مهم جهانی است. ما با این کمپین بر علیه اسلام سیاسی و سازمانها و دولتهای اسلامی مبارزه میکنیم و سوت آغاز این نوع مبارزه را در آلمان زده و بر علیه دخالت سازمانهای اسلامی و قدر قدرتی آنها و علیه مماشات دولتهای غربی با آنها در اینجا مبارزه میکنیم. آیا این بد است، به ضرر مردم است، به نفع است؟ آیا مخالفین این کمپین نمی فهمند که امروز جایگاه اسلام و اسلام سیاسی با کلیسا و بودیسم و یهودیت و... در عرصه سیاست جهانی متفاوت است؟ آیا ما با کلیسا و دخالت مسیحیت در دولت و آموزش و پرورش مبارزه نمیکنیم؟ چرا تعدادی از دور با دوربین جامعه را نگاه میکنند و داور فعالیتها ما شده اند. چرا اینها منشا هیچ اثر و تغییری نیستند اما همیشه مدعی و داور خوبی و بدی فعالیت ما هستند؟ خیلی محترمانه باید به اینها گفت

لطفاً جل و پلاستان را جمع کنید و بروید جایی که گوش شنوا پیدا کنید. ما را با دنیای شما کاری نیست.

در شرایطی که اسلام و اسلام سیاسی با ترور و رعب و وحشت دارد به سیستم آموزش و پرورش در اروپا بیش از پیش رخنه میکند. این جریان با خود کشفیات دیگر و از جمله مذاهب دیگر را نیز وارد میدان میکند و یا به آنها مشروعیت بیشتری می بخشد. ما برای مقابله با تدریس قران و اسلام در مدارس به کودکان باید از ممنوعیت تدریس مذهب دفاع کنیم و این کار را کرده ایم. در حقیقت با یک تیر دو نشان میزنیم. مبارزه علیه مذهب و دخالت مذهب، هر مذهبی در سیستم و قانون و آموزش و پرورش باید همه جانبه و هماهنگ پیش برده شود و ما داریم همین کار را میکنیم. مشکل مخالفین ما این نیست. آنها از دور نشسته و منتظر فول گیری هستند. اما فولی هم اتفاق نیفتاده است. مشکل آنها احساس نزدیکی به اسلامپها در مقابل "امریالیستها" است. مشکل آنها گسترش نفوذ ما کمونیستهای کارگری است. اینها دردشان نگهداشتن فرقه خود به دور سفره فرقه شان است. البته اجازه بدهید همینجا بگویم با این اکروبات بازی چپ- اسلامی کسی را نمیتوان متحد نگهداشت. کسانی که یک عمر علیه اسلام و اسلام سیاسی فعالیت کرده اند را نمیتوان به لشکر حزب الله تبدیل کرد. کسی نمیتواند مخالف خلع سلاح حزب الله باشد و مدعی مبارزه با اسلامی سیاسی هم باشد.

سخن آخر

رفقا و دوستان دیروز و امروز! در دنیا یک رنسانس نوین در حال اتفاق افتادن است. دنیا و بشریت مدرن در مقابل هر دو قطب تروریستی موجود از خود دفاع میکند و در این مقابله به پرچم انسانی مارکس و منصور حکمت نیاز دارد. بدون این پرچم این مبارزه یا به نتیجه مطلوب نمیرسد، یا به

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

گزارش مراسم گلگشت اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار



شیت امانی و محمود صالحی سخنرانی کرد.

پس از سخنرانی خالد سواری و جعفر عظیم زاده که با ابراز احساسات شرکت کنندگان در گلگشت مواجه شد، از شرکت کنندگان در مراسم جهت سخنرانی دعوت به عمل آمد که شرکت کنندگان به نوبت به ارائه دیدگاهها و نظرات خود حول مسئله فعالیت بهتر اتحادیه و نیز آزادی شیت و صدیق پرداختند. سخنرانان بر ضرورت و تلاش فوری برای برگزاری تجمعی گسترده جهت آزادی شیت و صدیق تاکید نمودند. همچنین آنها خواهان حضور بیشتر و فعالتر

برگزاری این گلگشت و برنامه های آن را اعلام کرد. سپس طبق برنامه خالد سواری نائب رئیس اتحادیه ضمن خوش آمدگویی مجدد به شرکت کنندگان در مراسم، درباره ضرورت برگزاری این گلگشت و گلگشتهای مشابه و همچنین برنامه های اتحادیه در خصوص آزادی شیت امانی و صدیق کریمی سخنرانی کرد. سپس جعفر عظیم زاده مسئول روابط عمومی اتحادیه درباره چگونگی شکل گیری اتحادیه تا مقطع برگزاری مجمع عمومی و ضرورت پیوستن بیشتر کارگران به آن و همچنین درمورد تلاش فوری و گسترده برای آزادی صدیق کریمی و

روز دوشنبه ۱۴ خرداد ۸۶، اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار با دعوت از اعضا و خانواده های آنها و نیز فعالین و کارگرانی از تهران، سنج، سقز، کرمانشاه و کامیاران و... گلگشتی را در منطقه پالنگان- کامیاران برگزار نمود. در این گلگشت که با حضور نزدیک به ۲۵۰ نفر برگزار شد، شرکت کنندگان درباره مسائل مختلف کارگری و مسائل پیرامون اتحادیه به بحث و تبادل نظر پرداختند.

در آغاز مراسم، ابتدا حسن زارعی، مسئول کمیسیون تشکیلات اتحادیه، ضمن خوش آمدگویی به شرکت کنندگان در گلگشت، اهداف

کارگران در فعالیتهای روزمره اتحادیه شدند.

پس از تریبون آزاد، محمد نعمتی مسئول کمیسیون تبلیغات اتحادیه، درباره ضرورت تشکیل کمیته زنان اتحادیه و نیز ضرورت پرداختن اتحادیه به مسائل کودکان کار سخنرانی نمود و از شرکت کنندگان دعوت کرد تا جهت تشکیل کمیته زنان ثبت نام نمایند که در پایان مراسم، تعدادی از همسران کارگران شرکت کننده در گلگشت، جهت تشکیل کمیته زنان اتحادیه ثبت نام کردند. در پایان خالد سواری نامه اتحادیه و خانواده های شیت و صدیق را به رئیس قوه

قضائیه و... را قرائت کرد.

پس از صرف نهار و استراحت، مراسمی برای کودکان با شعار "کار کودکان ممنوع!" برگزار شد که مورد استقبال شرکت کنندگان واقع شد. در این مراسم، کودکان با خواندن شعر و سرود و انجام بازیهای کودکانه، فضای پرنشاطی را ایجاد کردند. در پایان مراسم نیز، جوایز اختصاص داده شده برای کودکان، توسط مادر صدیق کریمی به آنان اهدا شد.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار
۱۶/۳/۱۳۸۶

www.ettahade.com

k.ekhraj@gmail.com

اسلام گیت منشعبین . . .

از صفحه ۸

هدر میروند و شکست میخورند. ما در حال انجام یک نبرد مهم سیاسی هستیم. کسانی در جریان این نبرد عظیم اجتماعی از سر "ضد امپریالیستی" و اسلام دوستی غش کرده و یا به دلیل منافع خرد تشکیلاتی و فرقه گرایی در مقابل ما ایستاده و علیه صف بشریت مدرن و کمونیستهای کارگری که در جبهه های متعددی در حال جنگ هستند لیچار میگویند. کسانی این کمپین را پیش میبرند که محبوب میلیونها انسان ضد مذهب و مخالف اعدام و و سنگسار و خواهان برابری و آزادی هستند. خطاب من به

فرزند شدند، پسری که اکنون چهار ساله است. اما خوشبختی به زودی از این زوج جوان رویگردان شد. مرضیه به ناگهان از خانه فرار کرد و بعد از ۵۰ روز مهام او را پیدا کرده و به خانه برد. مرضیه که به شدت عصبی بود، به مهام گفت که با یک مرد دیگر در این مدت زندگی کرده است و دیگر نمی خواهد با مهام باشد. مهام که باورش نمی کرد می گوید که او را دوست دارد و از او خواهش می کند که دست بردارد. اما مرضیه با همان عصبیت شروع به فحاشی می کند که مهام برای ساکت کردن مرضیه با یک کارد به سر خود ضرباتی را وارد می کند. مرضیه به حملات عصبی اش ادامه می دهد و می گوید اگر مردی و شهامت داری چرا کارد را در قلبت فرو نمی کنی، در این لحظه است که مهام از خود بی خود می شود و دست به جنایتی می زند که اکنون پشیمانی از انجام آن ظاهراً سودی ندارد.

نباید گذاشت مهام را اعدام کنند!

حکم اعدام مهام کاظمی را بعد از تایید حکم اعدامش از سوی دفتر شاهرودی، قابل اجرا است. مهام ۲۵ ساله پدر یک کودک چهار ساله که تنها امیدش دیدار مجدد و بازی با پدر است. دادگاه مقرر کرده است که هرگاه مادر مقتول به حساب دولت نصف پول دیه را واریز کند، مهام اعدام شود.

داستان زندگی مهام هم یکی دیگر از تراژدیهای است که جمهوری اسلامی باعث و بانی آن است. مهام وقتی جوانی بیست و یکساله بود با مرضیه که دختری فراری از خانه بود و با لباس پسرانه در خیابانها آواره بود، آشنا شد. داستان غم انگیز زندگی مرضیه، پدر معتاد، مادر نابینا و فقر مطلق، مهام را بر آن داشت که مرضیه را از خیابانها نجات دهد. مهام مرضیه را به خانه برد و با وجود مخالف خانواده، با وی ازدواج کرد. بعد از مدتی این زوج جوان صاحب یک

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۱/۰۶/۲۰۰۷
www.adpi.net
manochermasori@yahoo.com
Tel: 0046 704917494

در مورد کنگره ۶ حزب کمونیست کارگری ایران

امید سرخ



کنگره ۶ بیش از هر چیز دیگری این را بخوبی نشان داد که چه تحول عظیمی در جامعه ایران در حال رخ دادن است و کل کنگره و قطعنامه هایی که به تصویب رسید، سراسر انعکاس وضع موجود در ایران و کل جهان بود و این لرزه بر پیکر سرمایه داری جهانی می اندازد.

آنان (بورژوازی) خواسته ها و شعارها و مطالبات مردم را می بینند و واقفند که چپ و کمونیسم کارگری چقدر ریشه در عمق جامعه پیدا کرده است اما به تنها چیزی که دل بسته بودند و آرزو می کردند، یک حزب کمونیست کارگری ضعیف و شکست خورده و مستاصل از انشعابات گذشته را ببینند. خوشبختانه نه تنها چنین نشد بلکه حزب کمونیست کارگری قاطع تر از همیشه در پیشاپیش جامعه ایران و کل جهان پرچم آزادیخواهی و سوسیالیسم را بلند کرده است. تحولات اخیر در جامعه و کنگره پر شور، موفق و کمونیستی حزب نه تنها جواب درخوری به کل

خواسته های جامعه بود بلکه کل اپوزیسیون راست بورژوازی پرو غرب را مایوس کرد. جواب محکم و قاطعی هم به کل اپوزیسیون محفل گرا و فرقه گرای چپ غیر کمونیستی و غیر کارگری بود. آنان که فکر میکردند انقلاب آتی در ایران به دامن دوخردادیها میافتد و تلاش میکردند مردم را از سوسیالیسم رم دهند، حال می بینند که نه دوخردادی هست و نه مردم رم کرده ای. بلکه مردم و جامعه ای را می بینند که قاطعانه در مقابل کل اپوزیسیون بورژوازی از دو خردادی گرفته تا جمهوریخواه و لیبرال و سلطنت طلب و غیره ایستاده اند و با صدای بلند تر از گذشته آوای سوسیالیسم را سر میدهند و شعارها و قطعنامه های سرخ تر و رادیکالتر بر پرچمشان حک شده است. آنانی که هم با فانتزی فکر میکردند که کنگره بدون آنها لنگ خواهد شد نمیتواند کاری از پیش ببرد مثل رفقای دیگرشان که میخواستند با رفتنشان انحلال حزب را اعلام کنند

تصورشان غلط از آب درآمد. اما گذشته از تمام اینها چپ در ایران فرصت تاریخی یافته که بتواند در پیشاپیش جامعه به سوی یک حکومت کارگری گام بردارد و این رسالت تاریخی بر دوش ما کمونیست های کارگری است که هر آنچه در توان داریم بکار بندیم تا بشریت از زیر یوغ جنگ و اتم و مذهب و سرمایه داری رهایی یابد. یک انقلاب اجتماعی همه جانبه که میتواند اساس و بنیان کل سرمایه داری جهان را به لرزه در آورد، در ایران در حال به وقوع پیوستن است و باید تلاش کنیم حاصل این انقلاب یک حکومت آزاد و برابر و یک حکومت سوسیالیستی باشد، تا بشریت متمدن از بردگی مزدی و مالکیت خصوصی وی حقوقی همه جانبه سرمایه داری رهایی یابد.

زنده باد آزادی و برابری
زنده باد حکومت کارگری

مدتها بود و وقت آن رسیده بود که کمونیسم کارگری می بایست قدرت خود را به نمایش میگذاشت تا آن مقدار غبار و توهمی که نسبت به جریانات پرو غرب بورژوازی مانده بود را به کلی از صحنه سیاسی جامعه بزداید. آنان که همه دست در دست بورژوازی جهانی کمر به

نابودی چپ و حزب کمونیست کارگری در ایران بسته بودند، بار دیگر با قدرت جنبش کمونیسم کارگری در جامعه و حزب کمونیستهای کارگری در کنگره ۶ رو در رو شدند و مثل همیشه در مقابل کمونیسم کارگری سر تعظیم فرود آوردند.

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه مدیریت کارخانه را عقب راند

به کارگران قول داده شد که تا ۲۰ خرداد حقوقها پرداخت میشود
کارگران ده روز به مدیریت مهلت دادند که قول خود را عملی کند

کمونیست کارگری همه کارگران و مردم آزادیخواه را به پشتیبانی از مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه تا تحقق کامل خواست آنها فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ ژوئن ۲۰۰۷، ۲۲ خرداد ۱۳۸۶

ازاء کار انجام شده دستمزدی پرداخت نمیگردد. جمهوری اسلامی و مدیران و کارفرماهای چپاولگرش، زبانی جز زور، اعتراض و اعتصاب را نمی فهمند. جواب سیاست غارت و چپاول دستمزد زیر خط فقر کارگران فقط می تواند اعتراض و اعتصاب متحدانه باشد. حزب

یک نمونه موفق و مؤثر اعتراض کارگری در کشوری است که حتی در

پرداخت نشده شان، همچنان به اعتصاب ادامه بدهند.

در ادامه این اعتصاب، خبرگزاریهای دولتی جمهوری اسلامی، روز ۱۴ خرداد اعلام کردند که "بیش از ۲ ماه از حقوق معوقه ۵ هزار کارگر شاغل در نیشکر هفت تپه تا یکشنبه ۲۰ خرداد ۸۶ پرداخت خواهد شد." کارگران، در جواب مدیریت که قول داد تا این روز حقوق آنان پرداخت خواهد شد، گفتند که ۱۰ روز به مدیریت مهلت خواهند داد تا دستمزد تمامی بیش از ۲۸۰۰ کارگر رسمی و بیش از ۲۲۰۰ کارگر موقت را بطور کامل پرداخت کند.

چند روز پیش خبر اعتصاب قدرتمند بیش از ۵ هزار تن از کارگران نیشکر هفت تپه به عدم دریافت دستمزدهایشان را به اطلاع رساندیم. بنا به گزارشهای منتشر شده، اعتصاب کارگران این کارخانه که در روز ۷ خرداد امسال شروع شده بود، تا روز ۱۲ خرداد، که خبر آن به بیرون درز کرد، بیش از ۵ هزار کارگر را در بر میگرفت. کارگران التیباتوم داده بودند که اگر هر چه زودتر به مطالباتشان رسیدگی نشود، اعتصاب را به استناداری، اداره کار، دادگستری، اداره صنایع، خانه کارگر، مجلس شورای اسلامی و سایر ادارات مرتبط و غیرمرتبط خواهند کشاند. کارگران در این اعتصاب اعلام کرده بودند که مصممند تا دریافت دستمزدهای

از سایت های حزب کمونیست کارگری ایران دیدن کنید

www.wpiran.org
www.rowzane.com

کتاب کاپیتال (سرمایه) اثر مارکس، جلد اول، ترجمه جدید جمشید هادیان، منتشر شده و بزودی در کشورهای اروپا، آمریکا و کانادا در دسترس همگان قرار خواهد گرفت. برای تهیه کتاب در سوئد میتوانید با کتابفروشی فردوسی در استکهلم با تلفن 32 30 80 (8) +46 یا از طریق ایمیل به آدرس info@ferdosi.com تماس بگیرید.

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!